

## درآمدی بر مفاهیم «بالاشهر» و «پایین شهر» با تأکید بر حوزه‌های معنایی و تحلیل محتوای نگرش‌های مردمی

محمود محمدی\*

مهدی حسینی دهاقانی\*\*

ایمان فدایی\*\*\*

### چکیده

با نگاهی به شهر، می‌توان نمود اختلافات طبقاتی، شکاف‌های اقشار مختلف جامعه، نابرابری‌ها و تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی، فاصله بین دهک‌های اقتصادی و مسایلی از این دست را در تمام اجزای آن از مردم و فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها گرفته تا کالبد آن مشاهده کرد. مفاهیمی همچون بالا و پایین، شمال و جنوب شهر، این طرف و آن طرف رودخانه و ... هم مولود و هم مولد مسایل یاد شده‌اند که خود به مشکلاتی بزرگ در شهر و زندگی شهری بدل شده‌اند. این مفاهیم واژگانی آشنا در ادبیات روزمره مردم و مسئولین است؛ از نشانه‌ای برای بیان پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد تا موضوعی برای وعده و وعید. با این وجود، تاکنون در ادبیات علمی شهرسازی ایران به مفهوم‌شناسی این پدیده پرداخته نشده است. این پژوهش تلاشی است برای تحلیل محتوای مفاهیم بالاشهر و پایین‌شهر از جنبه‌های مختلف و سازمان‌دهی چارچوبی نظری و مبنایی برای تحقیقات آینده. بر این مبنای پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از این که «مفهوم بالاشهر و پایین‌شهر در حوزه معنایی زبان فارسی چیست؟» و «چه چیزی بالاشهر و پایین‌شهر را در ذهن مردم می‌سازد؟». برای نیل به اهداف تحقیق، سعی شد تا با دیدی همه‌جانبه‌نگر، به واکاوی این مفاهیم پرداخته شده و از پوسته‌های روئین و سطحی تا لایه‌های زیرین و عمقی آن شکافته شود. بنابراین با تکیه بر نظریات زبان‌شناسی پدیدارشناسانه، دو مقوله برای این بررسی در نظر گرفته شد؛ یکی «عناصر مفهومی» سازنده معنا و دیگری «معیارها»ی سازنده آن از دیدگاه مردم. در بررسی مفاهیم، چهار جنبه واژه‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، استعاره‌شناسی و اسطوره‌شناسی، مورد توجه قرار گرفت. به منظور شناسایی عوامل و زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری مفاهیم بالاشهر و پایین‌شهر و پایین‌شهر از منظر مردم، از روش تحلیل محتوا بهره گرفته شد. اطلاعات این قسمت، از طریق مصاحبه شفاهی در شهر اصفهان، جمع‌آوری و از طریق تداعی معنا، تحلیل شدند. نتایج بررسی بخش «عناصر مفهومی»، نشان داد که مفهوم محوری و درونی واژگان بالا و پایین در زبان فارسی، نوعی ارزش‌گذاری برای بیان انواع مقام‌ها و منزلت‌هاست. همچنین در بخش «معیارها»ی سازنده، با تحلیل محتوای نگرش‌های مردم، دو دیدگاه کلی تفکیک شد؛ یکی آن که وجه تمایز بالاشهر و پایین‌شهر را ناشی از عوامل محیطی می‌داند و دیگری، این تفاوت را از طریق معیارهای غیرمحیطی و مربوط به مردم محیط می‌داند. نتایج نشان داد که مردم برای تشخیص بالاشهر و پایین‌شهر، اغلب به معیارهایی اشاره می‌کنند که آنها را کمتر می‌توان به محیط نسبت داد. بنابراین مفهوم بالاشهر و پایین‌شهر در تناظر با ارزش‌ها، مفهومی کاملاً نسبی است و یک تعریف ثابت از متغیرها و معیارها، نمی‌تواند همواره بر آن دلالت کند. این پژوهش، تلاش می‌کند تا از رهگذر بیان سیستمی و شامل «عناصر مفهومی» و «معیارها»، که در روابط متقابل با هم هستند، پدیده بالاشهر و پایین‌شهر را تشریح کند.

### واژگان کلیدی

بالاشهر، پایین‌شهر، تحلیل محتوا، حوزه معنایی، مفهوم‌سازی.

\*. دکتری شهرسازی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان. m.mohammadi@au.ac.ir

\*\* فارغ‌التحصیل مهندسی شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان. نویسنده مسئول، ۰۹۱۳۹۲۰۱۴۰۷ mehdi.hosseini@ut.ac.ir

\*\*\* فارغ‌التحصیل مهندسی شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان. iman.idf@gmail.com

**مقدمه**

از جنبه‌های گوناگون واکاوی شوند. چهار جنبه واژه‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، استعاره‌شناسی و اسطوره‌شناسی را می‌توان برای این بررسی، مورد توجه قرار داد. سپس، به منظور شناسایی عوامل و زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری مفاهیم «بالاشهر» و «پایین‌شهر» از منظر مردم و همچنین دوری از تحلیل‌های سطحی و دستیابی به محتوای پنهان مفاهیم، روش تحلیل محتوای کیفی را می‌توان به کار بست. حسن این روش آن است که اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها به گونه‌ی ذهنی تفسیر و از طریق تداعی معنا تحلیل شوند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۳۶). از آنجایی که شهر اصفهان، یکی از کلان‌شهرهای ایران محسوب می‌شود و مفاهیم «بالاشهر» و «پایین‌شهر» و نمودهای آن را می‌توان در فرهنگ مردم این شهر یافت، برای این مطالعه انتخاب شد. بنابراین، اطلاعات این قسمت، در شهر اصفهان و از طریق مصاحبه شفاهی جمع‌آوری شده و از طریق تداعی معنا، تحلیل می‌شوند. در این حالت، تحلیل داده‌ها با خواندن آنها به صورت مکرر آغاز می‌شود تا درکی کامل درباره‌ی آنها به دست آید. سپس با شمارش و رمزگذاری آنها، مقوله‌بندی داده‌ها انجام شده است. در پایان، نتایج حاصل از بخش اول (تحلیل محتوای ریشه‌زبانی مفاهیم) در قالب «عناصر مفهومی» مرتبط و بخش دوم (تحلیل محتوای مفاهیم از منظر مردم) در قالب «معیارها» ارایه شده و جمع‌بندی نهایی پژوهش نیز، بر مبنای ترکیب مفاهیم و معیارهاست.

**واژه‌شناسی**

واژه «بالا» را می‌توان مشتق شده از دو تک‌واژه «بال» و «ا» دانست و آن را منتسب به بال معنا نمود. «بال» ریشه فعل «بالیدن» است که در معانی «مباهات، تفاخر، رشد، روییدن، قد کشیدن» در زبان فارسی به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷: جلد ۳). در فرهنگ معین، «بالا» به عنوان یک صفت فارسی شناخته شده است که معانی «بالنده، نمو کننده؛ زبر، فوق؛ بلندی، ارتفاع؛ طول، درازا؛ پشته، تپه؛ قد و قامت» را دارد (معین، ۱۳۹۱). در فرهنگ عمید، «بالا» هم به عنوان اسم و هم به عنوان صفت معنا شده است. در جایگاه اسم، معانی «[مقابل پایین] بخش بلند هر چیز، جای بلند؛ پشته، تپه، قد و قامت» و در جایگاه صفت، معانی «بهتر؛ برتر، دارای مقام یا رتبه‌ی باارزش‌تر یا مهم‌تر [عامیانه، مجاز]» آورده شده است.

واژه «پایین» از «پا» و «یین» تشکیل شده است و به معنای منسوب به «پا» است. فرهنگ معین، واژه «پایین» را صفت نسبی دانسته که معانی «زیر و دامنه» آن برای به کار رفته و «دامنه» نیز «کناره و حاشیه» معنا شده است (معین، ۱۳۹۱). فرهنگ عمید، «پایین» را در جایگاه‌های اسم و صفت و قید مورد بررسی قرار داده است. در جایگاه صفت، معانی «مقابل بالا، آهسته، کم‌دامنه، کم» آمده است. در ترکیبات صفتی این واژه

بالاشهر و پایین‌شهر، پدیده‌ای است که محتوایش در زمینه‌ای از مفاهیم گسترده و در ابعادی گوناگون، شکل گرفته و مفاهیمی است مؤثر بر ذهن مردم و متأثر از آن، که در سنت نیز در مفاهیم ده سفلی و علیا و بالا و پایین اتاق، جایگاه داشته و امروزه نیز در شهر بسیار مهم جلوه می‌کنند؛ تا جایی که جایگاهی خاص در ادبیات سیاست‌گذاران و سران مملکتی به خود اختصاص داده است.<sup>۱</sup> مفهوم بالاشهر و پایین‌شهر از پدیده‌های شهری است که محتوای دوگانه «بالا» و «پایین» را در دل دارد؛ دوگانگی در دستیابی به برابری، عدالت، آزادی، رفاه، حقوق، رفع نیازها و ... که همه و همه بر دوش آن سنگینی می‌کند.

اهمیت این مفاهیم بر کسی پوشیده نیست، اما در ادبیات علمی شهرسازی ایران جایگاهی نداشته است. شهرسازی که در پی رسیدن به تعادل و عدالت اجتماعی است باید مفهومی بدین وسعت و رواج میان شهروندان که در حوزه تخصصی آن نیز قرار می‌گیرد را شناخته و از این مفاهیم برای به ارمغان آوردن اهداف خود، بهره‌جوید. بنابراین، با وجود کمبود منابعی که مستقیماً مفهوم بالاشهر و پایین‌شهر را مورد بحث قرار داده باشند، لازم شد تا از روش تحلیل محتوای استفاده شود؛ چرا که این روش برای شرح پدیده‌هایی که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره‌ی آن محدود باشد و ماهیتاً مفهومی بوده و به واکاوی عمیقی نیاز داشته باشد، مناسب است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲). پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از اینکه «مفهوم بالاشهر و پایین‌شهر در حوزه معنایی زبان فارسی چیست؟» و «چه چیزی بالاشهر و پایین‌شهر را در ذهن مردم می‌سازد؟».

**چارچوب و روش پژوهش**

هر مفهوم<sup>۲</sup> دارای یک حوزه معنایی<sup>۳</sup> است که از تقطیع حاصل شده است؛ یعنی بخشی از جهان که از بقیه آن جدا شده و به اعتبار داشتن ویژگی‌هایی که در واقع همان مؤلفه‌های معنایی یک مفهوم است، از سایر پاره‌ها جدا شده است (جهانگیری، ۱۳۸۷: ۱۳ به نقل از براتی، ۱۳۸۷: ۹). همچنین زبان به عنوان یکی از نظام‌های نشانه‌ای، از یک سو رو به فرهنگ دارد و از سوی دیگر رو به جهان مردمی که در آن جامعه زبانی زندگی می‌کنند (براتی و زرین قلم، ۱۳۹۲: ۱۰۵). بنابراین می‌توان گفت برای بازشناسی هر مفهوم، دو مقوله را باید بررسی کرد؛ یکی مؤلفه‌های معنایی که معنای یک واژه را می‌سازند و دیگری ویژگی‌هایی از مفهوم، که در هر فرهنگ و در ذهن مردمش، آن را خاص می‌سازند. این پژوهش، تلاش می‌کند تا بر این دو مبنای مفاهیم مورد نظر را بررسی کند.

ابتدا برای فهم مفاهیم «بالاشهر» و «پایین‌شهر»، این ترکیب‌ها تقطیع شده و سپس تجزیه و تحلیل شوند. لذا مفاهیم «بالا» و «پایین» که باری معنایی بر دوش این ترکیب‌ها نهاده‌اند، باید

«مقام و منزلت، برتری، ترقی و فزونی» و واژه «پایین» بار معنایی «هبوط و پستی» را دارند.

### استعاره‌شناسی

در زبان‌شناسی، استعاره کاربرد یک نشانه زبانی به جای نشانه زبانی دیگر بر پایه تشابهی است که - دست کم به اعتقاد گوینده - بین این دو مفهوم برقرار است (سیف‌الهی، ۱۳۸۲: ۱۵۶). اما استعاره در رویکرد معاصر، پدیده‌ای صرفاً زبانی نیست؛ بلکه فرایند تفکر انسان، استعاری است. از این رو، استعاره تنها در واژگان زبانی دیده نمی‌شود؛ بلکه در مفاهیم نهفته است (کرد زعفرانلو کامبوزیا و حاجیان، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

در بین نظریه‌های کنونی، نظریه استعاره معاصر<sup>۵</sup> لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) بر روی زبان‌های مختلف و انواع متون اعمال شده است و هدف اصلی آن را می‌توان انتقال جایگاه استعاره از زبان به ذهن دانست. یکی از انواع استعاره‌هایی که لیکاف و جانسون مورد بررسی قرار داده‌اند، استعاره جهت<sup>۶</sup> است. استعاره جهت نوعی استعاره مفهومی<sup>۷</sup> است که در آن، فرد میان یک مفهوم انتزاعی با یک جهت فیزیکی رابطه متقابل برقرار می‌کند. در واقع استعاره‌های جهت به یک مفهوم، جهت مکانی می‌بخشند (پورابراهیم و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۲). استعاره‌های جهت مرتبط با مفاهیم «بالا» و «پایین» به همراه نمونه‌های کاربرد در زبان فارسی و تشریح مبنای فیزیکی و اجتماعی هر

«ده پایین» را به عنوان کاربرد «ویژگی جایی یا چیزی که در ارتفاع پست‌تر قرار دارد» و «محلۀ پایین» را به عنوان کاربرد «ویژگی جایی یا چیزی که در امتداد شمال به جنوب قرار دارد» برشمرده است. در جایگاه اسم به معنای «آن قسمت از چیزی که در زیر دیگری واقع است، جایی یا چیزی که در ارتفاع پست‌تر قرار دارد (مانند پایین شهر)، قسمتی از اتاق که به در نزدیک‌تر است [مجازاً] آمده است. معنای قیدی این واژه نیز «زیر» برشمرده شده است (عمید، ۱۳۹۲). در مجموع چنین استنباط می‌شود که واژه «بالا» در زبان فارسی تنها اشاره به جهت یا ارتفاع ندارد؛ بلکه هم در جایگاه صفت و هم در جایگاه اسم، بار معنایی ارزشی دارند؛ چنانچه «بالا» به معنای بهتر و برتر و مهم‌تر شناخته می‌شود. واژه «پایین» نیز در زبان فارسی تنها اشاره به جهت یا ارتفاع ندارد؛ بلکه هم در جایگاه صفت و هم در جایگاه اسم، بار معنایی ارزشی دارند؛ چنانچه «پایین» به معنای کمتر و حقیر شناخته می‌شود.

### اصطلاح‌شناسی

امثال و اصطلاحاتی که در زبان به کار برده می‌شود، جایگاه و ارزش و بار معنایی واژه را بیشتر از معنای صرف آن، روشن می‌سازد. بنابراین در این قسمت، از توضیحات لغت‌نامه دهخدا، اصطلاحات مرتبط با «بالا» و «پایین» استخراج و مفاهیم آن استخراج شده است که جمع‌بندی آن در جدول ۱ آمده است. با نگاه کلی می‌توان گفت واژه «بالا» در ترکیبات زبان فارسی، بار معنایی

جدول ۱. اصطلاحات مرتبط با «بالا» و «پایین» در زبان فارسی. مأخذ: نگارندگان و براساس دهخدا، ۱۳۷۷.

Table 1. Related Terms to Up and Down in Persian Language. Source: authors based on Dehkhoda, 1998.

مفهوم	معنی	اصطلاح	بالا/پایین
فزونی	گزارف گفتن، گزارف خواستن	دم از بالا بالاها زدن	بالا
مقام و منزلت	گرامی داشتن، بزرگ قدر شمردن	بالای سر جای دادن	
منزلت	صدر مجلس، مقابل آستانه و درگاه	بالای مجلس	
ترقی	مجازاً ترقی کردن	روی به بالا نهادن	
برتری	فزون از آن، بر از آن، برتر از آن، بالای آن، متجاوز از آن، بیشتر از آن	بالای چیزی	
هبوط	فرود آمدن، هبوط، هابط شدن، به‌زیر آمدن، منحط شدن	پایین آمدن	پایین
پستی	فروآوردن، هبوط دادن، هابط کردن	پایین آوردن	
خاموشی	روشنی چراغ را فرود آوردن چندان که به فرو مردن نزدیک شود، مقابل برکردن	پایین کشیدن (چراغ را)	

**اسطوره‌شناسی**

در قدیم واژه «بالا» به معنای «عالم مقدس در آسمان» به کار می‌رفته است؛ چنانچه «بالا و پست» مجازاً به معنای «آسمان و زمین» شمرده شده است (عمید، ۱۳۹۲). اسطوره‌شناسی آسمان و زمین به ما کمک می‌کند تا دلایل نسبت دادن معانی مثبت و خوب به بالا و منفی و نامطلوب به پایین را بهتر درک کنیم. آسمان، حتی بدون رجوع یا استناد به افسانه‌پردازی اساطیر، مستقیماً نمایشگر استعلا و قدرت و قداست ذات خود است. مناطق فوقانی که برای آدمی قابل دسترسی نیست، جایگاه ستارگان و اختران، اقامتگاه خدایان و برگزیدگان است (الیاده، ۱۳۸۴). در اسطوره‌ها، نه تنها آسمان مقدس است بلکه به تبع آن، بلندی هم از تقدس برخوردار می‌شود. زیگورات‌های بین‌النهرین، اهرام مصر، معابد مایا، پاگودا و استوپاهای خاور دور، همه و همه نشان از دغدغه مشخص آدمیان در طول تاریخ و در سراسر جهان دارد و از این روست که رو به جهت اصلی که همان آسمان باشد، بالا رفته‌اند. این بناها

یک در جدول ۲ جمع‌بندی شده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد استعاره‌های جهتی ریشه در تجربیات جسمی ما دارند و نوعی نظام‌مندی کلی در میان استعاره‌های جهتی وجود دارد که بیانگر انسجام موجود میان آنهاست. به این ترتیب که استعاره «بالا خوب است»، هر چیز خوب و مطلوبی را با جهت بالا توصیف می‌کند (یوسفی‌راد، ۱۳۸۲: ۴۹-۵۰). البته باید توجه داشت که اگرچه این استعاره‌ها، دلبخواهی نیستند و از تجارب فیزیکی ما ناشی می‌شوند، بسته به فرهنگ‌های مختلف می‌توانند تغییر کنند (افراشی و حسامی، ۱۳۹۲: ۱۴۶).

اما به عنوان مثال، در ذهن گویشور زبان فارسی، استعاره «شادی بالاست و غم پایین است» به جملات و عبارات زبانی استعاری نظیر «از شادی دارم پرواز می‌کنم؛ توی ابرها سیر می‌کنم؛ افتادم توی هچل» تحقق می‌بخشد که به نظر می‌رسد آنچه به نوعی خوب و مطلوب است «بالا» است و هر چه به نوعی بد و نامطلوب، «پایین» است (پورابراهیم و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۱).

جدول ۲. استعاره‌های جهتی مرتبط با «بالا» و «پایین» در زبان فارسی. مأخذ: نگارندگان برگرفته از Lakoff & Johnson, 1980.

Table2. Related Orientation Metaphors of Up and Down in Persian Language. Source: authors based on Lakoff & Johnson, 1980.

مفهوم	بیان استعاری	مبنای فیزیکی و اجتماعی	نمونه‌های کاربرد در زبان فارسی
شادی	شادی بالا است؛ غمگین پایین است	حالت خمیدگی و پایین افتادگی، نوعاً با غصه و ناراحتی و حالت راست ایستادن با وضع عاطفی امیدوارکننده همراه است	[فلان چیز] روحیه‌ام را بالا برد. روحیه‌ام افت کرده است.
آگاهی	آگاهی بالا است؛ ناآگاهی پایین است	انسان و غالب دیگر پستانداران، درازکش می‌خوابند و هنگامی که بیدار می‌شوند، می‌ایستند	بلند شو، بلند شو. [= بیدار شو]. از فرط خستگی افتاد.
زندگی	سلامتی و زندگی بالا است؛ بیماری و مرگ پایین است	بیماری سخت، ما را وادار به دراز کشیدن می‌کند و وقتی که می‌میریم، بدن ما پایین قرار می‌گیرد	او در اوج سلامتی است. افتاد و مرد.
تسلط	تسلط داشتن بالا است؛ زیر سلطه بودن پایین است	شخص هر چه هیكل بزرگ‌تری داشته باشد، قدرت بدنی بیشتری هم دارد و در مبارزه، حریف پیروز بالا قرار می‌گیرد	او مقام اجتماعی بالاتری دارد. قدرتش پایین آمده است.
مقدار	بیشتر بالا است؛ کمتر پایین است	اگر به محتوای یک ظرف یا توده، چیزی بیفزاییم، سطح آن بالا می‌رود	پارسال، درآمدم بالا رفت. سنتش زیر سن قانونی است.
موقعیت اجتماعی	موقعیت اجتماعی خوب بالا است؛ موقعیت اجتماعی بد پایین است	موقعیت یا توان (اجتماعی) و قدرت (بدنی)، بالا است	او بالاترین رتبه شغلی‌اش را احراز کرد. سرعت ترفیع رتبه‌اش بسیار کند است.
ارزش‌گذاری	خوب بالا است؛ بد پایین است	تعیین‌کننده‌های امور مطلوب (شادی، سلامتی، زندگی و تسلط) همگی بالا هستند	کیفیت کارش بالا است. شخصیت خود را پایین نخواهم آورد.

ظاهری است، اما مفاهیم «ارزش‌گذاری» و «مقام و منزلت» را می‌توان در همه انواع بررسی‌ها مشاهده کرد. بنابراین می‌توان گفت مفهوم محوری و درونی واژگان بالا و پایین در زبان فارسی، نوعی ارزش‌گذاری برای بیان انواع مقام‌ها و منزلت‌هاست. این انواع را می‌توان در رده‌های بعدی مفاهیم ذکر شده در جدول نیز یافت. چنانچه بالا و پایین، برای بیان زندگی‌بخشی، رشد و ترقی، قداست، تسلط و قدرت نیز به کار می‌رود. برخی مفاهیم همچون شادی و آگاهی را نیز می‌توان به عنوان محتوای درونی نام برد، اما کاربرد ضمنی‌تر و معنای نهفته‌تری نسبت به سایر مفاهیم دارند.

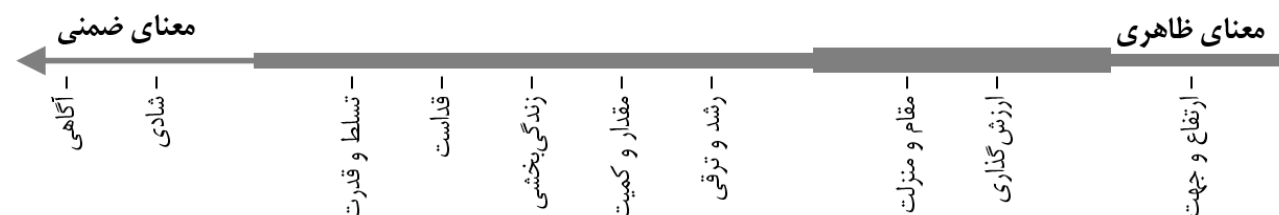
**معیارهای شکل‌دهنده بالاشهر و پایین‌شهر در نگاه مردم**  
 کاربرد مفاهیم بالاشهر و پایین‌شهر در ادبیات روزمره مردم، نشان‌دهنده اهمیت و لزوم مطالعه دیدگاه مردم و آکاوی ذهنیت آنها نسبت به این مقولات است. شناسایی عناصر شکل‌دهنده ذهنیت مردم در تمایز بالاشهر از پایین‌شهر با پاسخگویی به پرسش «تفاوت بالاشهر و پایین‌شهر در نظر مردم چیست؟» صورت گرفته است. بدین منظور، به صورت تصادفی و پراکنده در کل سطح شهر اصفهان، ۱۶۷ نفر پاسخ‌دهنده انتخاب شدند و به صورت مصاحبه شفاهی، نظرات آنها ثبت شد. سپس این نظرات به صورت متنی پیاده‌سازی و پردازش و تجزیه و تحلیل شد.

نکته حایز اهمیت آن است که برخلاف مطالعات کمی که در آنها کفایت حجم نمونه از طریق محاسبات آماری مشخص می‌شود، در مطالعات کیفی تکرار اطلاعات قبلی، معیار کفایت حجم نمونه است. «اشباع نظری»<sup>۱</sup> به این معنی است که با ادامه جمع‌آوری داده‌ها، داده‌ها تکراری شده و اطلاعات مفهومی جدیدی که نیاز به شاخص جدید یا گسترش و دسته‌بندی شاخص‌های قبلی داشته باشد، حاصل نشود (فیلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۸) همچنین با ثبت مشخصات مصاحبه‌شونده، جامعیت و دربرگیری مناسب جامعه آماری، کنترل شد.

در این پژوهش، پس از تشخیص رسیدن به حد اشباع توسط نگارندگان، مرحله مصاحبه متوقف شد. سپس برای دسته‌بندی و تحلیل مصاحبه (اشتراک‌یابی در صورت همگن بودن)، در گام اول کلمات کلیدی<sup>۱</sup> متن مصاحبات پیاده شد. نمونه انجام این مرحله در

هر کدام بیوند میان زمین و آسمان تلقی می‌شدند. (هوک، ۱۳۸۰). ریشه‌شناسی یا وجه اشتقاق نام‌های بعضی از خدایان نیز بر این واقعیت گواهی می‌دهد که نفس «رفیع» بودن و در «بالا» جای داشتن، برابر با «قدرتمندی» (به معنای مذهبی) و بنابراین لبریز شدن از قداست است (مفتاح، ۱۳۸۱: ۱۴۸). در مقابل، عارفان همواره حقارت زمین را در برابر هستی یادآور شده‌اند. عارفان مسلمان زمین را تبعیدگاه اولاد آدم (ع) می‌دانند و حافظ از آن با نام «دیر خراب‌آباد» یاد می‌کند: من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / آدم آورد در این دیر خراب‌آبادم (صدقه، ۱۳۷۷: ۷۵). از طرف دیگر، در اسلام، زمین مبدأ آفرینش انسان است و «چون خدای تعالی خواست که آدم علیه‌السلام را بیافریند، جبرئیل را فرمود که به زمین رو و قبضه‌ای خاک از روی زمین بردار که من خلقتی خواهم آفرید...» (مهدوی، ۱۳۷۶: ۴). بنابراین، می‌توان گفت بررسی اسطوره‌شناسی این مفاهیم نشان می‌دهد که تعابیر بالا و پایین برای آسمان و زمین، معانی قداست و قدرت را به سبب رمزآمیز بودن دربردارد.

**تحلیل ریشه زبانی مفاهیم «بالا» و «پایین»**  
 در زبان فارسی، بالا و پایین بودن صرفاً نشان‌دهنده جهت یا ارتفاع نیست. به عنوان مثال وقتی ذکر می‌شود که "اساتید در جامعه، منزلت بالایی دارند"، این مفاهیم برای بیان منزلت و شأن اجتماعی که خود حاوی اطلاعاتی از طبقات و قشربندی در جامعه و پیام‌هایی از پایگاه اجتماعی فرد در جامعه است، به کار گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد وجود واژه‌های بالا و پایین در مفاهیم مورد بحث این مقاله (یعنی بالاشهر و پایین‌شهر) نیز معانی فراتر از جهت و ارتفاع را به تصویر می‌کشد. بنابراین، در وهله نخست سعی شد تا این واژه‌ها تحلیل شوند و معانی درونی نهفته درون آن استخراج شوند. چنانچه اشاره شد، این واژگان در چهار دسته مورد بررسی قرار گرفتند و جمع‌بندی تحلیل این بررسی‌ها را می‌توان به صورت نمودار ۱ به تصویر کشید. عرض هر قسمت از نمودار، نشان‌دهنده میزان تکرار هر مفهوم در بررسی‌های زبان‌شناسی است و مفاهیم از راست به چپ، بر مبنای طیفی از معنای ظاهری تا معنای ضمنی، مرتب شده‌اند. مطابق نمودار، «ارتفاع و جهت»، اولین معنای



دیاگرام ۱. تعابیر مفاهیم «بالا» و «پایین» در زبان فارسی. مأخذ: نگارندگان.

Diagram1. Interpretation of "Up" & "Down" in Persian Language. Source: authors.



اقتصادی است، عمدتاً آن را ناشی از میزان کل ثروت و دارایی مالی افراد و در مرتبه بعدی، شغل و درآمد افراد دانسته‌اند. معیارهای «فرهنگی» تعدد و تنوع بیشتری داشته و پاسخ‌گویان، عوامل متعددی را ذکر کرده‌اند؛ اما عمده آنان با بیان کلی «تفاوت‌های فرهنگی» (با حدود ۱۶ درصد تکرار) پاسخ را تشریح کرده‌اند. در مرتبه بعدی، «سواد و تحصیلات» با حدود ۹ درصد تکرار، بیشترین حجم تکرار در بین نظرات را به خود اختصاص داده است. پس از آن مظاهر بیشتری از تفاوت‌های فرهنگی نظیر «نوع برخورد‌های روزمره، نوع روابط اجتماعی افراد با هم و طرز تفکر» قرار گرفته است. کمترین میزان اشارات در تفاوت‌های بالاشهر و پایین‌شهر را در مفاهیم «آزادی» و «مذهبی بودن» می‌توان مشاهده کرد. بنابراین عمده تفاوت را می‌توان در مقوله کلی «فرهنگ» و یکی از نمودهای آن یعنی «میزان سواد و تحصیلات» جمع‌بندی کرد.

علی‌رغم آن‌که معیارهای «جغرافیایی»، ظاهری‌ترین و اولین موارد قابل ذکر در تفاوت بالاشهر و پایین‌شهر هستند، اما در بین دیدگاه‌های مردم کمتر به آن اشاره شده است. در این بین «جهت جغرافیایی» با حدود ۹ درصد تکرار، مهم‌ترین بوده و پس از آن تفاوت «آب‌وهوایی» با کمتر از ۲ درصد تکرار، قابل ذکر است. «محیط شهری» و نمودهای کالبدی زندگی شهری نیز به عنوان مظاهر مادی، از موارد مهم عینی تفاوت بالاشهر و پایین‌شهر به شمار می‌روند. بیشترین معیارهای ارایه شده در این بخش،

جدول ۳ آمده است که در ادبیات تحقیقات کیفی به عنوان مرحله رمزگذاری<sup>۱۰</sup> شناخته می‌شود. در گام بعد، کلمات کلیدی که اشاره به یک جنبه مشترک دارند، با دو استراتژی «سؤال کردن» و «مقایسه کردن»، به ساخت «زیرمقوله<sup>۱۱</sup>»ها انجامیدند در مرحله «مقوله‌بندی<sup>۱۲</sup>» زیرمقوله‌ها از حیث شباهت‌ها و تفاوت‌ها دسته‌بندی می‌شوند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۱). در این پژوهش، زیرمقوله‌ها به پنج دسته اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، محیط شهری و امنیت قابل تفکیک بودند. سپس زیرمقوله‌ها و مقوله‌های<sup>۱۳</sup> به‌دست‌آمده، به نسبت تکرار و اهمیت مفاهیم در متن، ارزش‌گذاری شدند. نتایج نهایی این بررسی در جدول ۴ آمده است. در سطح کلان، دو نوع دیدگاه کلی قابل شناسایی است. یکی آن‌که وجه تمایز بالاشهر و پایین‌شهر را ناشی از عوامل محیطی می‌داند و دیگری، این تفاوت را از طریق مقوله‌های غیرمحیطی و مربوط به مردم محیط می‌داند. مقوله‌های اقتصادی و فرهنگی را در دسته‌بندی کلان مربوط به مردم و مقوله‌های جغرافیایی، محیط شهری و امنیت را در دسته‌بندی کلان مربوط به محیط، می‌توان قرار داد. مطابق جدول ۶، در میان معیارهای «اقتصادی»، بیشترین تکرار را معیار «میزان ثروت» با حدود ۱۱ درصد تکرار (از کل معیارهای سنجیده شده توسط مردم که به ۶۶۳ مورد رسید) و پس از آن «شغل و درآمد» با حدود ۴٫۵ درصد تکرار به‌دست‌آورده‌اند. در واقع، آنهایی که معتقد بودند تفاوت بالاشهر و پایین‌شهر ناشی از عوامل

جدول ۳. کشف کلمات کلیدی مصاحبه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

Table 3. Discovering Key Words of Interviews. Source: authors.

کلمات کلیدی	خلاصه متن مصاحبه	مشخصات مصاحبه‌شونده			کد
		شغل	سن	جنس	
مالی، آب و هوا، ...	دار و ندارش و مالی... اصولاً آب و هوای اون طرف رودخونه بهتره ...	آزاد	۵۵	مرد	۱
بافت شهری، فرهنگ مردم، مذهبی، ...	من دانشجویم. ترم قبل تو بالاشهر زندگی می‌کردم، این ترم توی پایین‌شهر، بافت شهری شون فرق داره، فرهنگ مردمش، مذهبی با هم فرق دارن ...	دانشجو	۲۱	مرد	۲
فرهنگی، حافظه و استعداد ...	از لحاظ فرهنگی ... غیر از محیطشون، توی ذهن و حافظه بچه‌ها ...	معلم	۳۵	زن	۳
فرهنگ، تحصیلات، ...	مثلاً... فرهنگشون ... اونا بهتره ... اونا از یه قشر تحصیل کردن ...	کارگر	۳۲	مرد	۵
مالی ...	مالیه دیگه، قاعدس که اونی که وضش خوبه بالاشهریه، از قدیم، بالا گرون‌تره ...	خانه‌دار	۵۷	زن	۶

از ۵۰ درصد از کل را به خود اختصاص داده است. پس از آن به ترتیب تفاوت‌های محیط شهری و عوامل اقتصادی بیشترین درصد تکرار را داشته‌اند.

در رده بعدی نیز به تفاوت‌های جغرافیایی محیط و امنیت محیط اشاره شده است. مقایسه معیارها نیز نشان می‌دهد که «تفاوت‌های فرهنگی» همچنان به عنوان یک موضوع مهم خودنمایی می‌کند و در رده‌های بعدی «میزان ثروت» و «جهت جغرافیایی» ذکر شده است. پس از این موارد، همچنان اشاره به موضوعات فرهنگی نظیر «سواد و تحصیلات» و «نوع برخوردهای اجتماعی» پررنگ دیده می‌شود. بنابراین، مردم بیش از آنکه تفاوت بالاشهر و پایین شهر را در مظاهر مادی ببینند، آن را در مظاهر غیرمادی جستجو می‌کنند.

وجود و میزان «امکانات» با کمتر از ۷ درصد تکرار است. پس از آن، حتی کیفیت و کمیت «ساختمان‌ها، بافت شهری و راه‌ها» نیز از نظرگاه مردم به دور مانده‌اند. از دیگر مظاهر مورد دقت در زمینه محیط شهری، موضوع «امنیت» بوده است. «احساس امنیت» در یک محیط و «میزان جرایم» در محل نیز به عنوان معیارهایی برای بیان این موضوع پیشنهاد شده‌اند. مقایسه دسته‌بندی‌های کلان میان عوامل محیطی و عوامل مردمی، نشان می‌دهد که مردم برای تشخیص بالاشهر و پایین شهر بیشتر به معیارهای مربوط به مردم اشاره می‌کنند. همچنین مقایسه مقوله‌ها نشان می‌دهد که فراوانی تکرار معیارهای فرهنگی در ذهنیت مردم بیشتر بوده و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که بیش

جدول ۴. دسته‌بندی معیارها از نگاه مردم. مأخذ: نگارندگان.

Table 4. Grouping Criteria from People's Opinions. Source: authors.

درصد تکرار		تعداد تکرار	معیارها	مقوله‌ها	دسته‌بندی کلان		
۶۵,۸%	۱۵,۵%	۱۱%	ثروت	اقتصادی	مردم		
		۴,۵%	شغل و درآمد				
	۵۰,۲%	۱۶%	۱۰۶	تفاوت‌های فرهنگی		فرهنگی	
			۸,۷%	سواد و تحصیلات			
			۶,۸%	نوع برخورد			
			۵,۷%	روابط اجتماعی			
			۵,۳%	طرز تفکر			
			۴,۱%	آزادی			
			۳,۵%	مذهبی			
			۳۴,۲%	۱۱,۲%			۹,۲۰%
۲%	آب و هوا						
۱۷,۹%	۶,۸%	امکانات		محیط شهری			
	۵,۷%	ساختمان‌ها					
	۳,۵%	بافت شهری					
	۲%	راه‌ها					
۵,۳%	۳,۸%	احساس امنیت		امنیت			
	۱,۵%	جرایم در محل					
		۶۶۳		جمع			

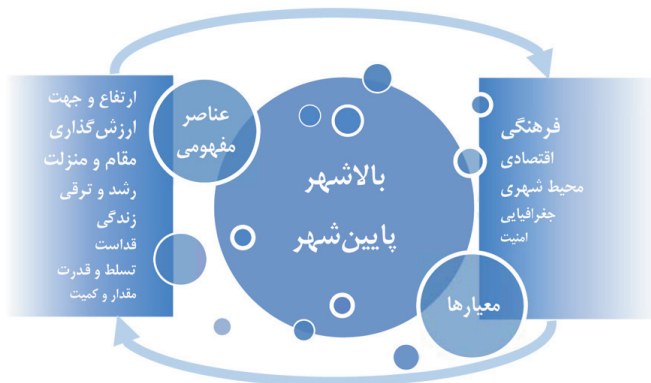
### نتیجه گیری

زمینه‌های پدیده بالاشهر و پایین‌شهر را می‌توان در تاریخ جستجو کرد؛ از گذشته‌های دور که ده علیا جایگاه بالانشینان بوده و اهالی ده سفلی بر پایین‌دست (اغلب براساس جهت حرکت آب) جای می‌گرفتند، تا قبل از زمانی که تکنولوژی بلندمرتبه‌سازی به ساختمان‌های بلندمرتبه دست پیدا کرد و تنها راه رفت و آمد در میان طبقات راه‌پله شد، طبقات پایین‌تر از ارزش بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ اما هنگامی که آسانسور در کنار پله‌ها قرار گرفت، طبقات بالا ارزش بیشتری پیدا کردند.

تصورات گوناگونی نسبت به این پدیده می‌تواند وجود داشته باشد؛ مثلاً بالاشهر بودن به منزله بالابودن فرهنگ و شأن اجتماعی ساکنین آن، بالا بودن تسهیلات و امکانات رفاهی و کالبدی شهر در آن محدوده، بالابودن درآمد ساکنین آن، گران‌تر بودن قیمت خانه‌ها در آنجا، بالا بودن هزینه اجاره‌بها، بالاتر بودن و گران‌تر بودن هزینه‌های زندگی، بالا بودن و مرتفع بودن آن قسمت از شهر و غیره است. بنابراین مفهوم بالا و پایین در تناظر با ارزش‌ها، مفهومی کاملاً نسبی است و یک تعریف ثابت از متغیرها و معیارها نمی‌تواند همواره به صورت صحیح بر آن دلالت کند. لذا بیان به صورت یک سیستم شامل اجزا و در روابط متقابل، تعریف مناسب‌تری به دست می‌دهد. در این پژوهش سعی شد دیدی جامع و همه‌جانبه‌نگر در واکاوی مفهوم بالاشهر و پایین‌شهر حفظ شود تا کنکاشی عمیق از مفهوم مورد نظر به دست دهد و تا حد امکان با تحلیلی همه‌جانبه، از پوسته‌های رویین و سطحی مفهوم تا لایه‌های زیرین و عمقی آن شکافته شود. بدین منظور و با تکیه بر نظریات زبان‌شناسی پدیدارشناسانه، دو مقوله برای بازشناسی این مفاهیم در نظر گرفته شد؛ یکی «عناصر مفهومی» سازنده معنا و دیگری «معیارها»ی سازنده آن از نظرگاه مردم. نتایج این پژوهش بر مبنای ذکر شده، در قالب مدلی در نمودار ۲ به تصویر کشیده شده است.

مطابق نمودار، عناصر مفهومی و معیارها به عنوان بخشی از اجزای سازنده مفاهیم بالاشهر و پایین‌شهر مطرح شده‌اند که هر یک، خود باری ارزشی به آن داده و از آن می‌گیرد و با هم در روابط متقابل قرار دارند. در واقع این پدیده، سیستم به هم پیچیده‌ای است از زیرسیستم‌ها و روابط که اجزا در ساخت کلیت شریک بوده و کلیت چیزی فراتر از جمع جبری اجزاست.

در بررسی عناصر مفهومی، از مطالعه حوزه معنایی واژگان «بالا» و «پایین» بهره گرفته شد تا دلایل اینکه به نظر می‌رسد آنچه به نوعی خوب و مطلوب است «بالا» است و هر چه به نوعی بد و نامطلوب، «پایین»، روشن شود. همان‌طور که در شکل نیز نشان داده شده است، مفهوم محوری و درونی این واژگان در زبان فارسی، نوعی ارزش‌گذاری برای بیان انواع مقام‌ها و منزلت‌هاست. در عین حال، ارزش‌گذاری با سایر مفاهیم ذکر شده نیز رابطه تنگاتنگی دارد. به بیان دیگر، مفاهیمی همچون رشد و ترقی، قداست، قدرت و ... نیز در درون خود با نوعی ارزش‌گذاری تعیین می‌شوند. در بررسی معیارها، به تحلیل محتوای دیدگاه‌های مردم پرداخته شد. نتایج این بررسی نشان داد که مردم برای تشخیص بالاشهر و پایین‌شهر، اغلب به معیارهایی اشاره می‌کنند که می‌توان آن را کمتر به محیط نسبت داد که عوامل فرهنگی با بیشترین درصد تکرار، مهم‌ترین عامل شناخته شد. به عبارت دیگر مردم بیش از آنکه تفاوت بالاشهر و پایین‌شهر را در مظاهر مادی ببینند، آن را در مظاهر غیرمادی جستجو می‌کنند. با بررسی روابط متقابل بین عناصر مفهومی و معیارها هم می‌توان به این نتیجه رسید که «ارزش‌گذاری» به عنوان یک مفهوم محوری، همچنان در تبیین معیارها نیز خودنمایی می‌کند و می‌توان تعیین معیار را نوعی ارزش‌گذاری بر مبنای دلایل و تفکرات گوناگون دانست. تحلیل مجموع موارد ذکر شده آشکار می‌سازد که مفاهیم بالاشهر و پایین‌شهر، زاده پدیده دوگانگی و نابرابری است. پدیده‌ای در هم تنیده از ماده و معنا، عقل و احساس، یقین و شک؛ مفهومی که با خود بار تضاد را بر دوش می‌کشد. تحلیل‌ها می‌توانند متفاوت باشند؛ چه کارکردی بنگریم چه نه؛ چه عدالت را شایستگی و حتی تقدیر بدانیم و چه برابری محض؛ چه رفاه را برای عام مردم بدانیم چه برای گروه‌های خاص؛ چه بخواهیم چه نه، چه و چه ...، تضاد وجود دارد. اختلاف وجود دارد و این نابرابری، چیزی نیست که بخواهد در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از چشم به دور ماند. همه این‌ها نشان از درهم‌تنیدگی و پیچیدگی سیستم شهر و اجزای تشکیل‌دهنده آن است. این مفهوم نیز به عنوان پدیده‌ای در شهر، از این قاعده مستثنا نبود و این پژوهش نشان داد که شاید بهتر باشد در مفاهیم شهری، کنکاشی ژرف‌تر صورت گیرد.



دیاگرام ۲. چارچوب مفهوم‌سازی مفاهیم بالاشهر و پایین‌شهر. مأخذ: نگارندگان.  
Diagram 2. Framework for Conceptualization of "Bala-Shahr" and "Paeen-Shahr". Source: autours.



پی‌نوشت‌ها

۱. به عنوان مثال می‌توان به سخنان منتشر شده از مقاماتی همچون شهردار اصفهان، شهردار تهران، فرماندار تهران، رئیس شورای شهر مشهد، شهردار اردبیل و ... اشاره کرد.
۲. Content Analysis
۳. Concept
۴. Semantic Field
۵. Contemporary Theory of Metaphor
۶. Orientational Metaphor
۷. Conceptual Metaphor
۸. Theoretical Sensitivity
۹. Key Words
۱۰. Coding
۱۱. Sub Category
۱۲. Categorize
۱۳. Category

فهرست منابع

- افراشی، آریتا و حسامی، تورج. ۱۳۹۲. تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تاکید بر نمونه‌هایی از زبان‌های فارسی و اسپانیایی. *دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۳ (۵): ۱۶۵-۱۴۱.
- الیاده. میرچا. ۱۳۸۴. *اسطوره بازگشت جاودانه*. ت: بهمن سرکاراتی. تهران: طهوری.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. ۱۳۹۰. تحلیل محتوای کیفی. *فصلنامه پژوهش*، ۳ (۶): ۴۴-۱۵.
- براتی، ناصر. ۱۳۸۷. درآمدی بر نظریه نقش و جایگاه زبان‌های بومی در قرائت و درک فضا و محیط زیست انسانی؛ با تاکید بر زبان فارسی. *فصلنامه باغ نظر*، ۵ (۱۰): ۱۶-۳.
- براتی، ناصر و زرین‌قلم، فرزاد. ۱۳۹۲. بازشناسی مفهوم «راه» از دیدگاه یک جهان‌زبانی-فرهنگی. *فصلنامه باغ نظر*، ۱۰ (۳۴): ۱۱۶-۱۰۵.
- پورابراهیم، شیرین و دیگران. ۱۳۸۸. بررسی زبان‌شناختی استعاره جهتی بالا/پایین در زبان قرآن رویکرد معنی‌شناسی شناختی. *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، (۱۲): ۸۱-۵۵.
- جهانگیری، نادر. ۱۳۷۸. *مجموعه مقالات زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه*. تهران: انتشارات آگاه.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. *لغت‌نامه دهخدا* (دوره ۱۵ جلدی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیفالهی، کبری. ۱۳۸۲. بررسی فرآیندهای درک استعاره در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکزی.
- صدقه، جان. ۱۳۷۷. زمین در اساطیر کهن. ت: محمدرضا ترکی. *فصلنامه شعر*، (۲۳): ۷۵-۷۲.
- عمید، حسن. ۱۳۹۲. *فرهنگ فارسی عمید (دوجلدی)*. ویراست دوم. تهران: انتشارات اشجع.
- فلیک، اووه. ۱۳۸۷. *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ت: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حاجیان، خدیجه. ۱۳۸۹. استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی. *فصلنامه نقد ادبی*، ۳ (۹): ۱۳۹-۱۱۵.
- معین، محمد. ۱۳۹۱. *فرهنگ فارسی*. جلد اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مفتاح، الهامه. ۱۳۸۱. شامان‌گرایی و دین مغولان. *مجله فرهنگ*، (۴۳): ۱۸۸-۱۳۹.
- مهدوی، یحیی. ۱۳۷۶. *قصص قرآن مجید*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- هوک، ساموئل هنری. ۱۳۸۰. *اساطیر خاورمیانه*. ت: علی‌اصغر بهرامی و فرنگیس مزدابور. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- یوسفی‌راد، فاطمه. ۱۳۸۲. *بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

Refrence List

- Afrashi, A. & Hesami, T. (2013). Analysisi of Conceptual Metaphors in A New Classification, Case Study: Examples of Persian and Spanish Languages. *Journal of Pajoohesh-haye Zabanshenasi-e Tatbighi*, 3 (5): 141-165.
- Amid, H. (2013). *Amid Dictionary*. Tehran: Ashja.
- Barati, N. & Zarringhalam, F. (2013). The Study of the Semantic Field of Connectional Spaces from the Perspective of a Lingo-Cultural World, Case study of Persian language. *Journal of Bagh-e-Nazar*, 10 (24): 105-116.
- Barati, N. (2008). An Introduction to Theory of the Role of Local Language in the Reading and Perceiving Space and Human Environment: Case Study of Persian language. *Journal of Bagh-e-Nazar*, 5 (10): 3-16.
- Dekhoda, A. A. (1998). *Dekhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran Press.
- Eliade, M. (2005). *The Myth of the Eternal Return*. Translated from English by Sarkarati, B. Tehran: Tahoori Press.
- Flick, U. (2008). *An Introduction to Qualitative Research*. Translated form English by Jalili, H. Tehran: Ney Press.
- Hooke, S. H. (2001). *Middle Eastern Mythology*. Translated from English by Bahrami, A. A. & Mazdapour, F. Tehran: Roshangaran and Motalea'at- e-Zanan Press.
- Iman, M. T. & Noshadi, M. R. (2011). Qualitative Content Analysis. *Journal of Pajoohesh*, 3 (6): 15-44.
- Jahangiri, N. (1999). *Language: Represantion of Time, Culture and Thought*. Tehran: Agah Press.
- Kord, A. & Hajian, Kh. (2009). Orientational Metaphors in Quran by Cognitive Approaches. *Journal of Naghd-e-Adabi*, 3(9): 115-139.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: Chicago University Press.
- Mahdavi, Y. (1997). *Quran Stories*. Tehran: Kharazmi Press.
- Meftah, E. (2002). Mongolian Shamans and Religious Pluralism. *Journal of Farhang*, (43): 139-188.
- Moeen, M. (2012). *Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Press.
- Pourebrahim, Sh., et al. (2009). Linguistic Study of Up/Down Orientational Metaphor in the Language of the Qur'an: Cognitive Semantics Approach. *Journal of Anjoman-e Irani-e Zaban va Adabiat-e Arabi*. (12): 55-81.
- Sedge, J. (1998). Earth in Ancient Mythology. Translated form English by Torki, M. R. *Journal of She'r*, (23): 72-75.
- Seifollahi, K. (2003). *Study of Metaphor Comprehension Processes in Persian Language*. Master's Thesis. Islamic Azad University, Tehran Markazi Branch.
- Yousefirad, F. (2008). *Study of Time Metaphors in Persian: Cognitive Semantic Approach*. Master's Thesis. Tarbiat Modarres University.

## **An Introduction to the Concepts of "Bala-Shahr" and "Paeen-Shahr" By Studies of Semantic Fields and Content Analysis of People's Opinions**

Mahmoud Mohammadi\*  
Mehdi Hosseini Dehaghani\*\*  
Iman Fadaei\*\*\*

### **Abstract**

The concepts of "Bala-Shahr" and "Paeen-Shahr" in Iranian cities (especially big cities) have been particularly important and are used in people's conversations and authorities' speeches. "Bala" means up and "Paeen" means down and "Shahr" means city. Downtown is a term primarily used in North America to refer to a city's core or Central Business District and uptown is the residential part of a city away from the commercial center. But for Persian speakers, There are different perceptions towards "Bala-Shahr" and "Paeen-Shahr"; For instance Bala-Shahr may mean as high culture and social status of its inhabitants, high and physical facilities and amenities of the area, high-income residents, where house prices are more expensive, higher rent costs, higher cost of living, and the higher alpine areas of the city, etc. However, these concepts have not been studied in urban studies literature of Iran. The purpose of this study is to introduce these specific concepts of Iranian cities. We needed to use the content analysis method, since the lack of resources that directly discusses the concepts. Hence, this method is used to describe the phenomena with limited research literature or existing theories. The main questions of this study are the "what is the concepts of Bala-Shahr and Paeen-Shahr in semantic fields of Persian language?" and "what shapess these notions in people's minds?" To meet the research aims, we tried to study the theme with a comprehensive view, from the surface to the deep layers. Relying on phenomenological theories of linguistics, two categories were considered for this research: "conceptual elements" that makes meanings and "criteria" from the perspective of the people. In "conceptual elements" study, the semantic field of Bala and Paeen were used to define that why whatever is good and desirable is up [Bala] and whatever is bad and undesirable is down [Paeen]. In this study, four aspects were considered: terminology, morphophonemic, metaphors and mythology.

In order to find the factors that affect the formation of these concepts from the opinions of the people, the content analysis method was used. Information of this part gathered through interviews in the city of Isfahan and was analyzed with content analysis techniques. The results of this part showed that the inner core meaning of the Bala and Paeen in Persian language is expression of degree ratings. In fact, the Bala and Paeen in Persian language doesnt not merely indicate the direction or height and it seems Bala-Shahr and Paeen-Shahr definitions have meaning beyond the height or direction.

Also, in "criteria" part, two general opinion approaches were partitioned; one distinguishes it from environmental factors considered and other seeks the difference in the criteria related to the people. The results showed that people who recognize Bala-Shahr and Paeen-Shahr refer to criteria that are less attributable to the environment.

Drawing a conclusion, we can claim that Bala-Shahr and Paeen-Shahr are quite relative in correspondence with the values. So, a constant definition with variables and parameters, always has not inferred it. This research tries to express through the systematic view with the components of "conceptual elements" and "criteria", which are in mutual relations, to explain the Bala-Shahr and Paeen-Shahr.

### **Keywords**

Bala-Shahr, Paeen-Shahr, Content Analysis, Semantic Field, Conceptualization.

\*. Ph. D. in Urbanism, Assistant Professor and Faculty Member, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.mohammadi@au.ac.ir

\*\* . B. A. in Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. Corresponding author. mehdi.hosseini@ut.ac.ir

\*\*\*. B. A. in Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. iman.idf@gmail.com